سال اول / شماره دوم
تابستان یک هزار و چهارصد و چهار

# فرهنگ





# شناسنامه:


سر دبیر:

سمانه امینی آحور

استاد مشاور:

توحید پاشایی گلمرز

ویراستار علمی و ادبی:

سید نیرم آهوقلندری

تاریخ مجوز:

۱۴۰۴/۰۲/۰۳

شماره مجوز:

ک ن ت ۱۵/۱۲۵

صفحه آراء:

بیژن سهیلی یکتا


تحریریه:

- سید روح الله آهو قلندری
- معصومه نیازی‌فر
- سید نیرم آهوقلندری
- بیژن سهیلی‌یکتا
- عیسی مرادی کولانی
- سمانه امینی آحور
- وحید حسن‌زاد فانید

# فهرست:


| | | |
|---|---|---|
| 1 | راه رستگاری | صفحه: ۸ |
| 2 | گیاهان تراریخته در سفره‌های ایرانی: فرصت علمی یا خطر فرهنگی | صفحه:۱۲ |
| 3 | لرستان، خاستگاه سه استوانهٔ تشیع علوی! | صفحه: ۱۷ |
| 4 | نقش ورزش همگانی در تقویت انسجام و مشارکت اجتماعی دانشگاهیان | صفحه: ۲۸ |
| 5 | پرورش روح | صفحه:۳۲ |
| 6 | هنر پاپیه ماشه | صفحه: ۳۵ |



# سخن سردبیر

## از گوهر جان تا کیهان فرهنگ

**فرهیختگان گرانقدر،**

**فرهنگ، آیینه‌ای است که در آن، اندیشه‌ها، احساسات و هویت یک جامعه بازتاب می‌یابد؛ آیینه‌ای که هرچه شفاف‌تر باشد، مسیر آینده روشن‌تر ترسیم خواهد شد. نشریه فر فرهنگ با چنین نگاهی پا به عرصه نشر نهاد؛ با این باور که علم، ادب، هنر و فرهنگ نه حوزه‌هایی جدا از هم، بلکه رشته‌هایی به‌هم‌پیوسته‌اند که در تعامل با یکدیگر، زیست انسانی را معنا می‌بخشند.**

**اکنون که شماره دوم فر فرهنگ پیش روی شماست، خرسندیم که این مسیر را با گامی استوارتر ادامه می‌دهیم. تجربه شماره نخست، ما را به اهمیت گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای، نگاه نقادانه و در عین حال مسئولانه، و پاسداشت اصالت در کنار نوآوری بیش از پیش آگاه ساخت. آنچه در این شماره گرد آمده، حاصل تلاش نویسندگانی است که دغدغه اندیشه دارند و باور دارند که قلم، همچنان می‌تواند سازنده، روشنگر و الهام‌بخش باشد.**

**فر فرهنگ خود را تریبونی برای اندیشه‌های اصیل، تحلیل‌های عمیق و روایت‌های هنرمندانه می‌داند؛ نشریه‌ای که می‌کوشد میان سنت و مدرنیته، میان میراث فرهنگی و مسائل معاصر، پلی آگاهانه و متعادل برقرار کند.**

**امید آن داریم که این شماره نیز همچون شماره پیشین، زمینه‌ساز تأمل، گفت‌وگو و پرسشگری باشد و سهمی هرچند کوچک در ارتقای فرهنگ مطالعه و اندیشه‌ورزی ایفا کند.**

**در پایان، از همه نویسندگان، پژوهشگران، هنرمندان و مخاطبانی که با اعتماد و همراهی خود، استمرار این مسیر را ممکن ساخته‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم. فر فرهنگ به یاری شما زنده است و به پشتوانه همین همراهی، افق‌های روشن‌تری را پیش‌رو دارد.**

**والسلام،**
**سمانه امینی آحور**
**مدیر مسئول و سردبیر نشریه فر فرهنگ**
**تابستان 1404**



# 1 راه رستگاری

سید روح‌الله آهوقلندری
و سید نیرم آهو قلندری

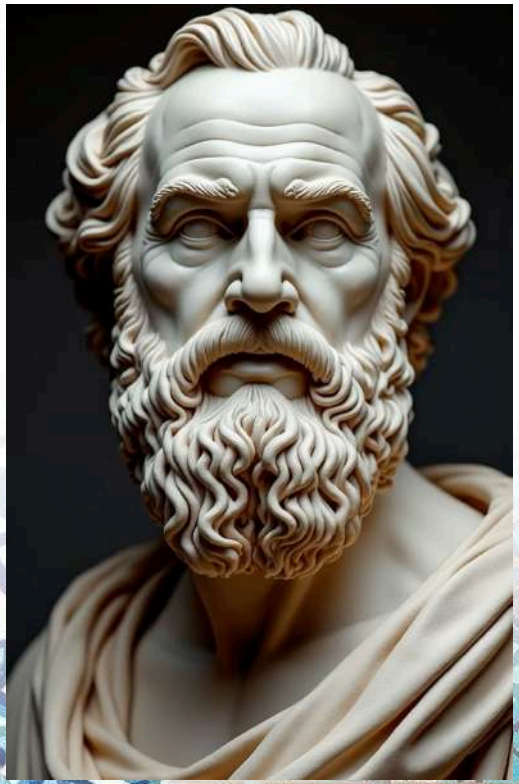
کم آزاری و آزار نرساندن به انسانها» یکی از کانونی ترین عناصر فرهنگ ایرانی_اسلامیست که بازتاب وسیعی در ادبیات درخشان فارسی داشته است.

نگاهی به مواریث پرافتخار ادب پارسی گویای این حقیقت است که یگانه راه برای رسیدن به رستگاری جاوید، فهم نظری و پایبندی عملی به این فضیلت بی همتاست!

اندیشمندان، فلاسفه و نظریه پردازانی که در پی یافتن راهی بسوی سعادت بشر بودند، از ۲۵۰۰ سال پیش تا کنون با تلاش ذهنی تمام نبوغ و خلاقیت خود را صرف کرده‌اند تا کوره راهی برای جوامع انسانی بیابند تا در این گریوهٔ حیات، آدمیان بتوانند با آرامش و آسایش روحی و روانی بیشتری عمر گرانمایه خود را سپری کنند.

تلاشی که هیچگونه تعارضی با پیام انبیاء عظام و ادیان توحیدی نداشته است.

از سقراط آن حکیم پرسشگر تا افلاطون و ارسطو و فیلسوفان پس از دورهٔ رنسانس تا اسپینوزا، هگل و کانت و سایر نظریه پردازان عالم فلسفه در عصر ما، هیچگاه از پرداختن به این مسئله کانونی غفلت نکرده اند. یعنی:
«ما بدانیم چگونه زندگی کنیم که درد و رنج کمتری را تحمل کرده و درد و رنج کمتری به دیگران تحمیل کنیم »!!
و این بیش از هر چیز به دانستن و دانایی نیازمند است. طبعا دانستن و دانایی سهل الوصول نیست و بغایت محتاج آموختن و مهمتر از آن تفکر کردن است و نیازمندی انسانها به «کتاب و کتابخوانی» از این «ضرورت گریز ناپذیر » نشأت می گیرد.
هر انسانی که برآنست زندگی بر حسب عادات را رها کند، باید رنج دانستن را بر خود هموار نماید.
کانت می‌گفت: «جرأت اندیشیدن داشته باش»!
بعدها انیشتین یاد آوری کرد که:
«هیچ کاری، سخت تر از تفکر کردن و اندیشیدن نیست...»!

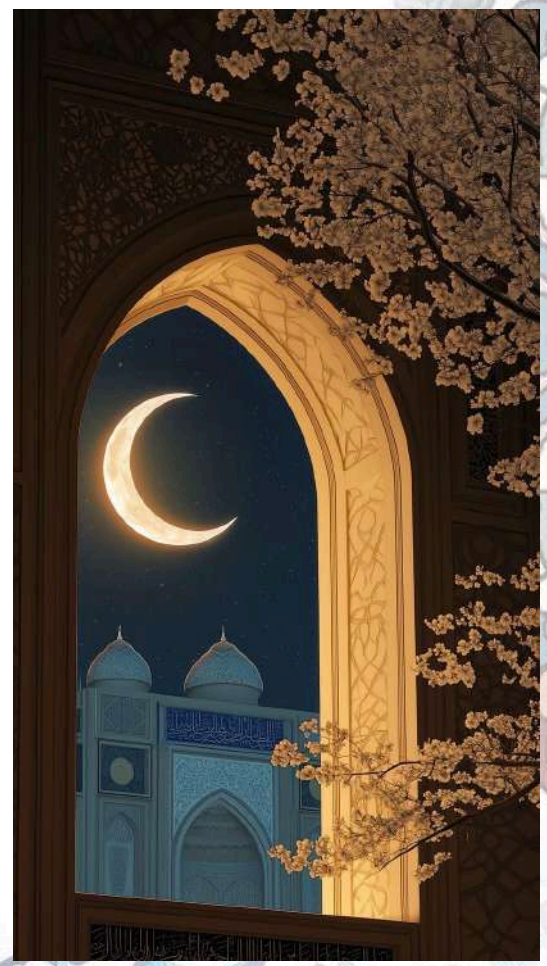


قرآن کریم، همه ما را به اندیشیدن دائمی دعوت فرموده است. در قیام و قعود و تمام آنات و لحظات زندگی! زیرا، خداوند بیهوده هستی و انسان را نیافرید.



الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار
آل عمران آیه۱۹۱

همان ها که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که بر پهلو خوابیده از او یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند و می‌گویند:
بارالها! اینها را بیهوده نیافریدی.
پس همانا تو ما را از عذاب آتش نگاهدار.
در سنت روایی، به کم آزاری توجه ویژه‌ای معطوف شده است.



قال رسول الله (ص):
اشد الناس عذابا الناس فی الدنیا اشد الناس عذابا عندالله یوم القیامه.

آن کسی که در دنیا مردم را بیشتر عذاب و شکنجه کند، در روز قیامت در بارگاه خدا عذاب سخت تری خواهد داشت.
نهج الفصاحه، صفحهٔ ۷۵

بازتاب این نگاه اخلاقی و انسانی به «کم آزاری» در ادبیات منظوم و منثور بسیار عمیق و وسیع است. در اینجا با ذکر ابیاتی از قله‌های بزرگ ادب پارسی توجه خوانندگان فهیم را به این فضیلت اخلاقی جلب می نمائیم.

میازار کس را که آزادمرد
سر اندر نیارد به آزار کس!

همه راستی باید و مردمی
زکژی و آزار، خیزد کمی!

به بد کردن خویش و آزار کس
مجوی ای پسر درد و تیمار کس

کم آزار باشید و هم کم زیان
بدی را مبندید هرگز میان

«شاهنامهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی»




آرامگاه حکیم نظامی درشهر گنجه

افصح المتکلمین سعدی شیرازی، در بوستان و گلستان که خود آئینه روح و روانشناسی مردم ایرانست در سروده‌های جاودانه‌اش، به عنصر اخلاقی «کم آزاری» اشاره کرده است.

ای زبر دستِ زیر دست آزار
گرم تا کی بماند این بازار؟؟؟

به چه کار آیدت جهان‌داری؟
مردنت به که مردم آزاری !!

گاوان و خران بار بردار
به ز آدمیانِ مردم آزار !!!

خواهی که بَر از مُلک سلیمان بخوری؟
آزار به اندرونِ مردم مرسان !!!!!

کجا خود شکرِ این نعمت گذارم
که زورِ مردم آزاری ندارم !!!!!!

حکیم نظامی گنجوی، بزرگترین و برترین مثنوی سرای عاشقانه ادبیات کلاسیک پارسی در بارهٔ «کم آزاری » می‌فرماید:

راحتِ مردم طلب، آزار چیست ؟
جز خجلی حاصل اینکار چیست ؟؟

آزار کشی کن و میازار
کازرده تو بِه که خلق بآزار

مردمی کرد در جهانداری
مردمی به ز مردم آزاری!

کم آزار شو کز همه داغ و درد
کم آزار یابد کم آزار مرد!

چون تو همایی، شرف کار باش
کم خور و کم گوی و کم آزار باش




و در پایان مقال و ختم کلام باید به حافظ، آن روح و وجدان بیدار مردم ایران تمسک جست.
زیرا، او حافظه ماست.
آئینه ایست که هر یک از آحاد این ملت با هر عقیده و مسلک و آئین و موقعیت اجتماعی، خود را در او می‌بینند.
مباش در پیِ آزار و هر چه خواهی کن
که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست!
من از بازوی خود هرگز ننالم
که زورِ مردم آزاری ندارم !!!
دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ
که رستگاری جاوید در کم آزاریست!



## 2 گیاهان تراریخته در سفره ایرانی: فرصت علمی یا خطر فرهنگی؟

معصومه نیازی فر، دکتری مهندسی کشاورزی

در جهان امروز، ما شاهد شکل‌گیری دو جریان اصلی در سبک زندگی انسان هستیم. جریان اول، به سوی زندگی صنعتی حرکت می‌کند؛

جایی که استفاده گسترده از مواد شیمیایی مصنوعی در غذا، لباس و محصولات تزئینی و همچنین تغییر سریع محیط به منظور افزایش رفاه انسان، جزو ویژگی‌های بارز آن است.

جریان دوم اما، بسیاری از این تغییرات را تهدیدآمیز می‌داند و ترجیح می‌دهد سبک زندگی خود را با تمرکز بر مواد طبیعی و ارگانیک پیش ببرد.

یکی از نقاط اختلاف این دو رویکرد، موضوع مصرف یا پرهیز از محصولات تراریخته است.

موضوعی که در سال‌های اخیر به یکی از بحث برانگیزترین مسائل در حوزه‌های زیست‌شناسی، کشاورزی و پزشکی تبدیل شده است.

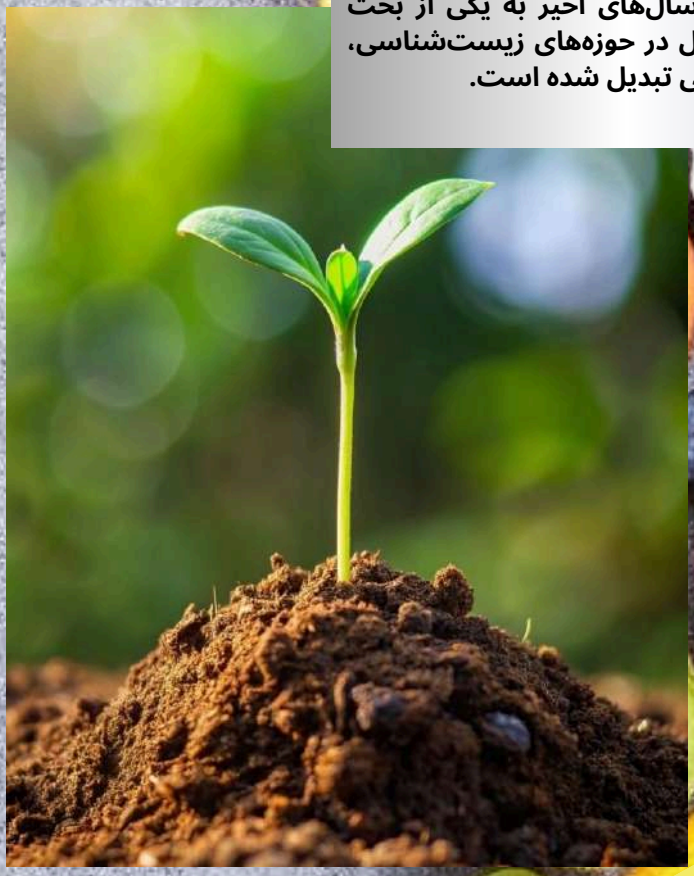
### تراریخته چیست؟

اصطلاح «موجودات تراریخته ژنتیکی» یا GMO به هر موجود زنده‌ای اطلاق می‌شود که ژنوم آن با روش‌های غیرطبیعی تغییر یافته باشد.

منظور از «غیرطبیعی»، روش‌هایی است که فراتر از آمیزش و نوترکیبی طبیعی گامت‌ها انجام می‌شوند. امروزه، خانواده GMO شامل انواع گیاهان، حیوانات و میکروب‌ها است.

فرایند تغییر ژنوم جانداران با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، به نام زیست‌فناوری نوین یا ژن‌فناوری شناخته می‌شود و گاهی با عنوان فناوری DNA نوترکیب یا مهندسی ژنتیک نیز از آن یاد می‌کنند.

این فناوری امکان انتقال ژن‌های مشخص از یک موجود به موجود دیگر را بدون نیاز به آمیزش و محدودیت‌های گونه‌ای فراهم می‌کند. محصولاتی که از این موجودات تراریخته تولید می‌شوند، به عنوان غذاهای GM شناخته می‌شوند.



## محصولات تراریخته چرا تولید می‌شوند؟

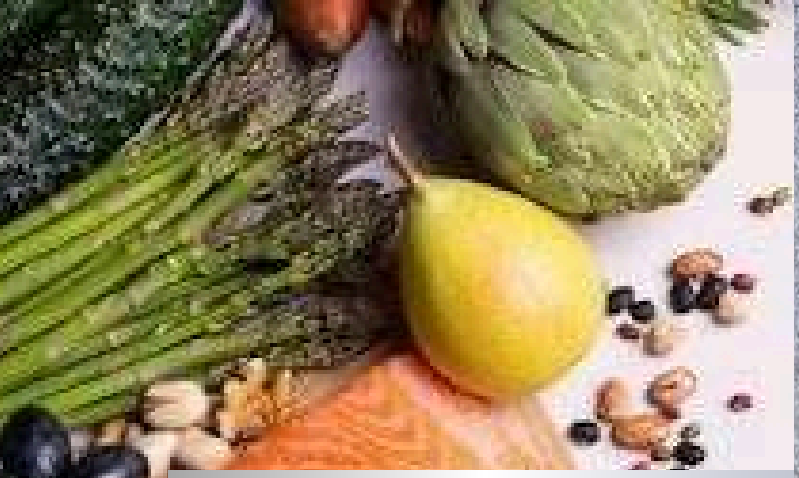
غذاهای GM مزایای قابل توجهی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دارند و همین موضوع، دلیل اصلی گسترش روزافزون آنهاست.
این مزایا شامل قیمت پایین‌تر و افزایش ارزش و ماندگاری محصول می‌شود و گاهی هر دو مورد با هم وجود دارند.

در ابتدا، توسعه‌دهندگان بذرهای GM هدفشان این بود که محصولاتشان توسط کشاورزان پذیرفته و مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین تمرکز آنها بر ویژگی‌هایی بود که به طور مستقیم به تولیدکنندگان سود می‌رساند.

یکی از حوزه‌های محبوب در زمینه موجودات GM، افزایش مقاومت گیاهان زراعی است. این مقاومت می‌تواند در چند زمینه مختلف شکل گیرد، از جمله:

- مقاومت در برابر شرایط محیطی سخت (مانند تنش شوری)
- مقاومت در برابر بیماری‌های گیاهی ناشی از حشرات و ویروس‌ها
- مقاومت در برابر آفت‌کش‌ها





## تراریخته یا ارگانیک؟

به طور کلی، غذاهایی که با روش‌های سنتی تولید می‌شوند، «ایمن» در نظر گرفته می‌شوند، زیرا بی‌خطر بودن آنها در طول تاریخ ثابت شده است.

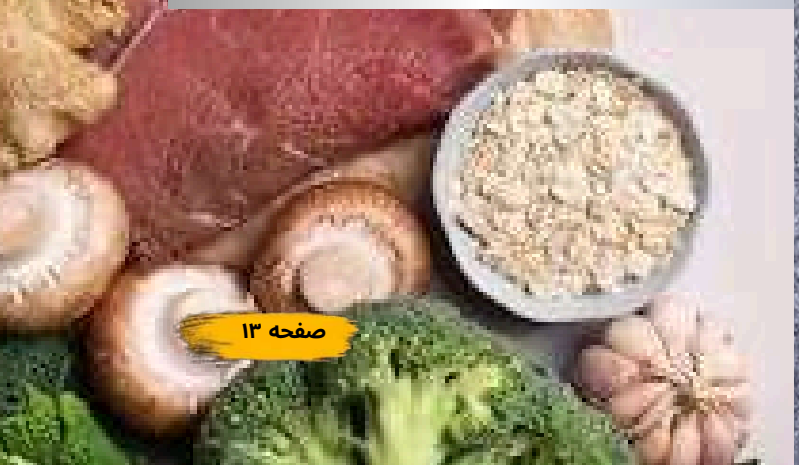
سال‌ها پیش از ظهور ژن‌فناوری و روش‌های نوین تغییر ژنوم، انسان با استفاده از روش‌های سنتی اصلاح نژاد، تغییراتی در ژنوم موجوداتی مانند گاو، گوسفند و بز ایجاد می‌کرد.

این تغییرات باعث تقویت یا تضعیف ویژگی‌های مورد نظر در جاندار می‌شد و هنوز هم دامداران و کشاورزان از این روش‌ها استفاده می‌کنند. در هر کشور، سازمان‌های استاندارد غذایی مسئول ارزیابی ایمنی چنین محصولاتی هستند که از واریته‌های جدید گیاهی و حیوانی به روش سنتی به دست آمده‌اند؛ از این پس، این محصولات را «سنتی» می‌نامیم.

به دلیل شواهد تاریخی متعدد، محصولات سنتی معمولاً با کمی خوش‌بینی و پیش‌فرض‌های مثبت ارزیابی می‌شوند.

در مقابل، محصولات و موجودات GM با نوعی سخت‌گیری و بدبینی عمومی مواجه‌اند. به همین دلیل، در بیشتر کشورها، سازوکارهای دقیق و موشکافانه‌ای برای سنجش ایمنی آنها ایجاد شده است و هرگونه خطر احتمالی برای انسان و محیط زیست، با دقت بالا بررسی می‌شود.

از آنجایی که چنین ارزیابی‌های گسترده برای محصولات سنتی انجام نمی‌شود، ورود آنها به بازار بسیار ساده‌تر از محصولات تراریخته است.





**ارزیابی ایمنی زیستی محصولات تراریخته چگونه انجام می‌شود؟**

**دپارتمان ایمنی غذا (FAO)، زیرمجموعه سازمان جهانی بهداشت (WHO)، به کشورها کمک می‌کند تا مواد غذایی که نیاز به بررسی ایمنی دارند را شناسایی و روش‌های مناسب ارزیابی را به کار ببرند.**

**فهرست این مواد و روش‌ها در دستورالعمل‌های «قوانین غذا» (Codex Alimentarius) جمع‌آوری شده است.**

**وقتی صحبت از ارزیابی ایمنی محصولات تراریخته می‌شود، معمولاً روی این موارد تمرکز می‌کنند:**

- **تأثیر مستقیم محصول بر سلامت انسان (سمیت محصول)**
- **احتمال ایجاد آلرژی در انسان (حساسیت‌زایی)**
- **بررسی اجزای محصول که ممکن است ارزش غذایی یا ویژگی سمی خاصی داشته باشند**
- **پایداری ژن‌های اضافه شده در طول تقسیم سلولی**
- **تأثیرات تغذیه‌ای ناشی از اصلاح ژنتیکی**
- **هرگونه اثر ناخواسته به دلیل اضافه شدن ژن جدید**

**محصولات تراریخته مفید هستند یا مضر؟**

**بحث درباره محصولات تراریخته گسترده و پیچیده است، اما نگرانی‌ها در عمل معمولاً در سه محور اصلی خلاصه می‌شوند:**

**ایجاد واکنش‌های آلرژیک**

**۱.انتقال ژن به سلول‌های دیگر**

**۲.انتقال ژن به طبیعت یا «تجاوز ژن» به گونه‌های دیگر**

**به‌طورکلی، انتقال ژن از موجود حساسیت‌زا به موجود غیر حساسیت‌زا ممنوع است، مگر آنکه ثابت شود پروتئین رمزگذاری‌شده توسط آن ژن خطری ندارد.**

**برخلاف محصولات سنتی که آزمایش حساسیت‌زایی بر روی آن‌ها انجام نمی‌شود،محصولات GM تحت پروتکل‌های دقیق FAO و WHO بررسی می‌شوند و تا کنون گزارشی از ایجاد آلرژی توسط آنها ثبت نشده است.**



یکی دیگر از نگرانی‌ها، احتمال انتقال ژن به سلول‌های بدن یا باکتری‌های روده‌ای است. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم در تولید بسیاری از موجودات GM از ژن‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک به عنوان مارکر استفاده می‌شود.

مارکرها به پژوهشگران کمک می‌کنند صحت فرایند تراریختی را بررسی کنند و معمولاً پروتئینی تولید می‌کنند که یک ویژگی قابل اندازه‌گیری در سلول ایجاد می‌کند.

اگرچه احتمال انتقال ژن پایین است، همین نگرانی باعث شده بسیاری از تولیدکنندگان به روش‌های بدون مارکر آنتی‌بیوتیکی روی بیاورند.
این موضوع به ویژه در گیاهان تراریخته مهم است و مربوط به احتمال انتقال ژن‌های اضافی به گونه‌های دیگر است؛ پدیده‌ای که «تجاوز ژن» یا Outcrossing نامیده می‌شود.

موضوع مشابه دیگر، احتمال مخلوط شدن بذر گیاهان طبیعی با بذرهای تراریخته است، که هر دو می‌توانند به‌طور غیر مستقیم سلامت و ایمنی مواد غذایی را تحت تأثیر قرار دهند.

گزارش‌ها نشان می‌دهند در مناطقی که گیاهان تراریخته به عنوان خوراک دام یا برای مصارف صنعتی استفاده می‌شدند، مقادیر اندکی از آنها در محصولات مصرفی انسان نیز مشاهده شده است.

برای جلوگیری از وقوع «تجاوز ژن»، بسیاری از کشورها اقداماتی مانند جداسازی زمین‌های کشت محصولات تراریخته از محصولات طبیعی را اجرا می‌کنند.
ارزیابی ریسک محیطی محصولات تراریخته شامل بررسی ویژگی‌های خود محصول، اثرات و پایداری آن در محیط و همچنین تحلیل ویژگی‌های زیست‌بوم محیطی است که محصول در آن رشد می‌کند.

در این ارزیابی‌ها، اثرات ناخواسته درج ژن‌های اضافی نیز مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرند تا ایمنی و سلامت محیط و مصرف‌کننده تضمین شود.

**آیا خوردن محصولات تراریخته برای انسان ضرر دارد؟**

**هر موجود تراریخته شامل یک یا چند ژن جدید است که هرد کدام به شکلی خاص و در موقعیتی منحصر به فرد در ژنوم جایگذاری شده‌اند.**

**این ویژگی باعث می‌شود که ایمنی و سلامت هر محصول تراریخته، نیازمند بررسی جداگانه و موردی باشد و نمی‌توان یک قضاوت واحد درباره همه این محصولات ارائه داد.**

**امروزه تمامی محصولات تراریخته که در بازارهای بین‌المللی عرضه می‌شوند، مراحل ارزیابی ایمنی زیستی را پشت سر گذاشته‌اند و بر اساس دانش فعلی، برای سلامت انسان خطری ندارند.**
**علاوه بر این، هیچ گزارشی از بروز علائم بالینی در جمعیت‌های مصرف‌کننده این محصولات ثبت نشده است.**

**با این حال، اصول «قوانین غذایی» صادره از سوی سازمان بهداشت جهانی (WHO) همواره باید رعایت شود و حتی پس از عرضه محصولات، نظارت مستمر بر ایمنی و سلامت آن‌ها ادامه یابد تا اطمینان کامل حاصل شود.**

**رویکرد کشورها در قانونگذاری محصولات تراریخته متفاوت است.**
**برخی کشورها هنوز چارچوب مشخصی برای این موضوع ندارند، در حالی که کشورهایی با قوانین منظم، تمرکز اصلی خود را بر ارزیابی خطرات سلامت مصرف‌کننده قرار می‌دهند.**

**در این کشورها، مقررات محصولات تراریخته بخشی از یک قانون جامع‌تر است که شامل تمام موجودات تراریخته بوده و تمامی ابعاد ایمنی غذایی، مخاطرات احتمالی برای انسان و محیط زیست،مسائل تجاری،کنترل محصولات، آزمایش‌ها و برچسب‌گذاری را پوشش می‌دهد.**

**این رویکرد چندلایه به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اطمینان می‌دهد که محصولات تراریخته، هم ایمن و هم قابل اعتماد هستند و می‌توانند به شکل مسئولانه و پایدار در زنجیره غذایی وارد شوند.**
**همچنین، این چارچوب قانونی و علمی به تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند و زمینه را برای استفاده گسترده و مسئولانه از فناوری‌های نوین کشاورزی، بدون ایجاد مخاطره برای سلامت انسان و محیط زیست، فراهم می‌سازد.**



# 3

# لرستان،
# خاستگاه سه استوانهٔ تشیع علوی !

سید روح الله آهو قلندری و سید نیرم آهوقلندری
محقق تاریخ و ادبیات و فلسفه دکتری مهندسی عمران

**لرستان، سرزمین قوم «کاسیت» طبق تحقیقات متقن «یونسکو» از ۶۳ هزار سال پیش، مأمن و محل سکونت انسان‌های دوران «دیرینه سنگی» بوده است و قوم «کاسیت» قبل از ورود آریاها به فلات ایران، در این قلمرو جغرافیایی متوطن بوده‌اند. از آثار مادی تمدنی این قوم دیرینه، «مفرغ‌های لرستان» است که گواهی بر شکوفایی تمدنی قوم لر، محسوب می‌شود.**

**شاید در نگاه اول، محیط عشایری مردمان این سرزمین، فضای فرهنگی مناسبی را برای رشد علوم دینی فراهم نکرده است. اما واقعیت دیگر گونه است. حداقل سه عالم بزرگ و فقیه تراز اول تشیع در این محیط عشایری پرورش یافته‌اند.**

**میرزای چاپلقی معروف به میرزای قمی و محقق قمی در سال ۱۱۵۱ ه.ق در الیگودرز لرستان بخش چاپلق (ازنای کنونی) روستای «دره باغ » متولد شد.**

**میرزای چاپلقی، فقیه، مجتهد و اصولی بنام شیعه در دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار مرجع مسلم تقلید شیعیان بوده است.**

**ایشان علاوه بر سر آمدی در تمام علوم اسلامی بویژه در «علم اصول» در سرودن شعر دستی داشت. دیوانی از او شامل ۵۰۰۰ بیت باقی مانده است.**





میرزا، مقدمات علوم دینی را نزد پدرش آموخت و بعدها جهت ادامهٔ تحصیل به خوانسار مهاجرت و از محضر آیةالله سید حسین خوانساری کسب فیض نمود و در همان شهر با خواهر استاد خود ازدواج نمود. روح جستجو گر و مشتاق ایشان جهت کسب علم و معرفت موجب گردید که در سال ۱۱۷۴ ه.ق به عتبات مهاجرت نماید.

اختلاف عمیق میان اصولیون و اخباریون در این دوره به حد اعلی رسیده بود. عالم بزرگ شیعی علامه وحید بهبهانی و شاگردانش علیه اخباریون یک جریان قوی بوجود آورده بودند و میرزا به صف شاگردان وحید بهبهانی پیوست و از این «اصولی بنام » کسب علم و معرفت کرد.

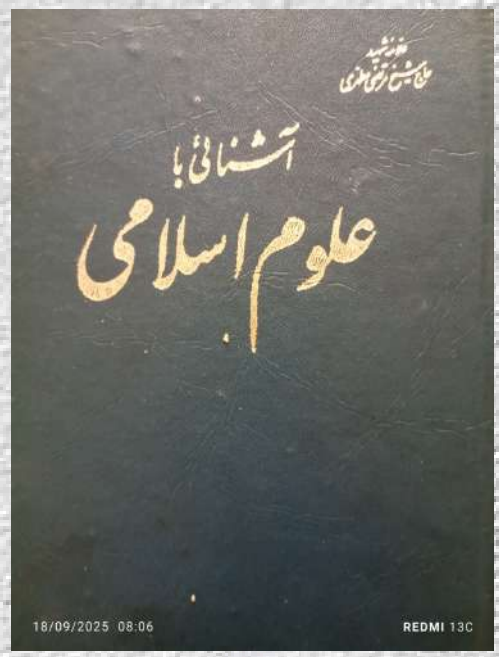
میرزا با تدوین کتاب «قوانین الاصول» تأثیر فراوانی در منکوب و منزوی کردن «اخباریون» ایفاء کرد. ایشان، پس از تکمیل تحصیلات خود به چاپلق بر گشت و مدتی در زادگاه خود به تدریس و تعلیم مشغول شد اما چون طالبین علوم دینی در چاپلق کم بود، میرزا به شهر قم مهاجرت کرد و به تعلیم و تدریس علوم دینی پرداخت و به مرجعیت شیعه رسید و در مسجد جامع به امامت جمعه و جماعت مشغول شد و بواسطه سکنی گزیدن در این شهر، به میرزای قمی (محقق‌قمی) اشتهار یافت.

وجود میرزای قمی در حوزهٔ علمیهٔ قم، حوزهٔ پر تحرک اصفهان را تحت الشعاع قرار داد. فتحعلی شاه ارادتی وافر به میرزای قمی داشت و از مقلدین ایشان بود. این شاه در سفری به شهر مقدس قم، پیاده افسار اسب میرزا را که سوار بر آن بود در دست گرفت و تا «حرم مطهر » فاطمهٔ معصومه، افسار را می‌کشید. میرزا سواره بود و خاقان بزرگ، فتحعلی شاه، پیاده طی طریق میکرد!!

علم اصول یا به تعبیر دیگر «علم اصول فقه» علمی دستوری است و به دو بخش تقسیم می شود.
یک قسمت آن عبارت است از «دستور و شیوهٔ استنباط احکام شرعی از منابع اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل).
قسمت دیگر مربوط است به دستور صحیح استفاده از یک سلسله قواعد عملی در صورت یأس از استنباط.
قسمت اول را اصول استنباطیه و قسمت دوم را «اصول عملیه» می‌نامند.
تسلط به مباحث و مبانی علم اصول، بسیار توان فرساست و نیاز به هوشمندی و خلاقیت ذهنی دارد.
به همین علت، مبرزترین عالمان علوم دینی در این علم از علوم اسلامی تبحر پیدا کرده‌اند.
از اصولیین سرآمد دوران انقلاب مشروطیت ایران می‌توان از «آخوند ملامحمدکاظم خراسانی صاحب کتاب کفایة الاصول» نام برد.
علاوه بر مرحوم آخوند، میرزا حسین نائینی از اصولیین سرآمد این عصر است.
در میان علماء شیعه، اولین شخصیت برجسته‌ای که در علم اصول صاحب تألیف است ،«سید مرتضی علم الهدی» صاحب کتاب «ذریعه» را میتوان نام برد. پس از ایشان، «شیخ طوسی» شاگرد سید مرتضی و مؤسس حوزهٔ هزار ساله نجف اشرف، کتاب «عدة الاصول» را تألیف نمود.

یکی از شخصیت‌های برجسته که علم اصول را عمق بخشید، میرزای قمی(میرزای چاپلقی) است.
ایشان کتاب «قوانین الاصول» را تألیف کرد که هنوز یکی از منابع مهم این علم در حوزه‌های علوم دینی است.

جهت آشنایی با «علم اصول» به کتاب «آشنایی با علوم اسلامی» تألیف آیت الله شهید مرتضی مطهری (ره ) مراجعه نمائید.



دومین شخصیت برجسته عالم تشیع که از لرستان برخاست و به حوزه‌های علوم دینی جانی تازه بخشید، مرجع علی الاطلاق شیعه، حضرت آیةالله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی است.



حضرت آیة الله العظمی بروجردی در ۳ فروردین ۱۲۵۴ ه.ش در بروجردِ لرستان دیده به جهان گشود.
در سن هفت سالگی به مکتب رفت و پس از آن به مدرسه علمیه «نوربخش» که در آن زمان مجمع فضلای عصر بود، وارد شد و تا سن ۱۸ سالگی در این مدرسه به فراگیری علوم دینی همانند صرف و نحو، معانی و بیان، حدیث و دورهٔ سطح اصول فقه پرداخت و سپس جهت فراگیری همه جانبهٔ علوم اسلامی حتی فلسفه به اصفهان مهاجرت کرد.

حوزهٔ علمیه اصفهان در این مقطع تاریخی از اعتبار فراوانی برخوردار بود و علماء شاخص و تراز اولی در این حوزه مشغول تدریس علوم دینی بودند.

این مهاجرت علمی بمدت چهار سال بطول انجامید. از اساتید برجسته ایشان در حوزهٔ صدر اصفهان می‌توان از «آیةالله سید محمد باقر درچه‌ای» و «آخوند کاشی» و «میرزا جهانگیرخان قشقایی» نام برد.



میرزا جهانگیر خان قشقایی

میرزا جهانگیر خان قشقایی، از فلاسفه بزرگ اواخر دوران قاجار و انقلاب مشروطیت است.
آیةالله بروجردی، پس از چهار سال تحصیل در اصفهان به بروجرد بازگشت. تعلق خاطر ایشان تا آخر عمر پر برکتش به بروجرد، هیچگاه کمرنگ نشد و مدتی در زادگاهش ماند و تأهل اختیار کرد. اما، بواسطه ی علاقه فراوان اساتید او نسبت به ایشان و رونق حوزهٔ علمیه‌ی اصفهان مجددا به این شهر مهاجرت کرد و به مدت پنج سال دیگر در این حوزه به تعلیم و تعلم پرداخت.

روح جستجوگر و مشتاق ایشان نسبت به معرفت علمی باعث شد که، در سال ۱۳۱۹ ه.ق جهت کسب فیض از مراجع بزرگ آن عصر همانند «آخوندملامحمد کاظم خراسانی» به نجف اشرف مهاجرت کند استعداد و هوشمندی و روح پرسشگر معظم له را به مبرز ترین شاگرد «آخوند خراسانی» صاحب کتاب بی بدیل «کفایةالاصول» تبدیل کرد.



آخوندملامحمد کاظم خراسانی

آیةالله بروجردی، از دیگر علماء بزرگ حوزه علمیه نجف همانند «شیخ الشریعهٔ اصفهانی» کسب فیض نمود و بمدت ۹ سال در محضر این دو استاد برجسته، خوشه چینی کرد.
مرحوم «آخوند خراسانی» به آیةالله بروجردی علاقه فراوان داشت تا جائیکه وقتی آیة الله بروجردی در جلسهٔ درس سخنی نمی‌گفت، آخوند خراسانی ایشان را مورد خطاب قرار می‌دادو می‌فرمود «شما نظری ندارید» ؟؟؟!


شیخ الشریعهٔ اصفهانی

حضرت آیةالله بروجردی در اواخر سال ۱۳۲۸ ه. ق به بروجرد بازگشت.
در این مقطع تاریخی که مقارن سقوط سلسله ی قاجار و به قدرت رسیدن رضاخان بود، «آیة الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی» با تلاش فراوان به احیاء حوزه علمیه قم همت گماشت. احیاء، حفظ و تداوم حیات این حوزه در این عصر پر ماجرا، مهمترین وظیفه‌ای بود که می‌بایست به آن توجه شود.

آیةالله بروجردی در حوزهٔ علمیه بروجرد مشغول تدریس علوم دینی بود و همهٔ علماء آن عصر بدون استثناء به اعتبار علمی ایشان واقف بودند تا جائیکه بزرگانی چون آیة الله مطهری برای کسب دانش و استفاده از جلسات درس آیةالله بروجردی خود را به این شهر می‌رساندند.


آیةالله شیخ عبدالکریم حائری یزدی

پس از رحلت آیةالله حائری، بزرگان حوزهٔ علمیهٔ قم جمیعا از آیة الله العظمی بروجردی تقاضا کردند که جهت حفظ حوزهٔ نوپای قم و جلوگیری از خلاء رهبریت دینی به این شهر مهاجرت نماید و ایشان با این در خواست موافقت کرد.

احاطهٔ همه جانبه و اعتبار علمی و عملی آیةالله العظمی بروجردی، آنچنان تحرکی به حوزهٔ علمیه‌ی قم داد که حتی حوزهٔ علمیهٔ نجف را تحت الشعاع قرار داد و پس از رحلت آیةالله سید ابوالحسن اصفهانی (ره)، آیةالله العظمی بروجردی به مرجع علی الاطلاق شیعه تبدیل شد.

نفوذ خارق العاده این مرجع بی همتا در عالم اسلام و در میان مردم ایران و شعیان جهان بحدی بود که حکومت شاه با توجه به این سلطه مردمی، هیچگاه بخود اجازه نمی‌داد که خلاف مشی حوزه علمیه دست به اقدامی بزنند.



جلسهٔ درس آخوند خراسانی در حوزهٔ علمیهٔ نجف

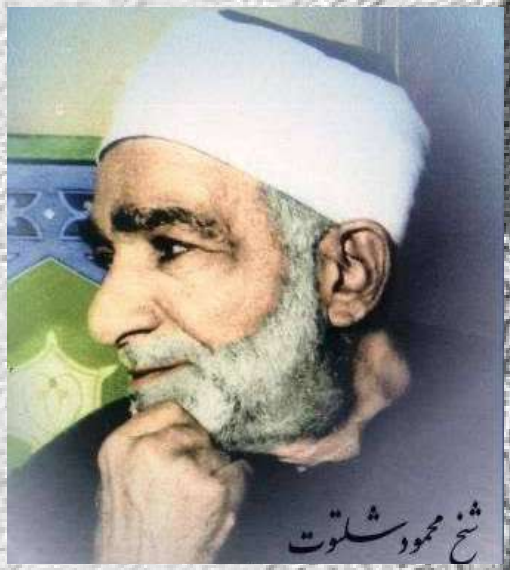
آیة الله العظمی بروجردی با درایت و دوراندیشی خود موجب اعتلای همه جانبه حوزه‌های علوم دینی شد. ایشان در دوران مرجعیت خویش، ورود داوطلبان علوم دینی را بشکلی سامان داد که هر کسی نمی‌توانست بدون ضابطه و توان ذهنی و علمی وارد حوزه شود.



ساخت مسجد اعظم در جوار بارگاه حضرت فاطمهٔ معصومه(س) و ساخت مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان جهت ترویج معارف اسلامی در اروپا با وجوهات شرعیه، از اقدامات بیاد ماندنی ایشان است.

اعزام روحانیون خوش فکر و هوشمند و زبان دادن به اروپا جهت تبلیغ معارف دینی و مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ، نشان دوراندیشی این مرجع عالیقدر بود.

زهد و تقوی و مقام علمی آیة الله بروجردی بحدی بود که تمام مراجع کنونی عالم تشیع از شاگردان ایشان بشمار میروند و هر روحانی که از محضر علمی ایشان استفاده نموده است از بزرگان علوم دینی محسوب می‌شود و از اعتبار علمی برخوردار است.




ارتباط وسیع حضرت آیة الله بروجردی با رهبران سنن موجب شد که دانشگاه «الازهر» مصر بعنوان رهبر فکری جهان تسنن با زعامت «شیخ محمود شلتوت»، در هماهنگی با حوزه علمیه قم، نهاد «دارالتقریب مذاهب اسلامی» را جهت تقویت وحدت میان تشیع و تسنن بوجود آورد.



این مرجع عالیقدر سرانجام در ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ ه.ش پس از سالها مجاهدت در راه نشر معارف اسلامی در سن ۸۶ سالگی بر اثر بیماری قلبی رحلت کردند و بنا به وصیت آن عزیز شریف پیکر مطهرشان در راهرو ورودی مسجد اعظم بخاک سپرده شد.
تمام مسلمانان از شیعه و سنی در عزای آن زعیم علی الاطلاق به سوگ نشستند.
ما مُلک عافیت نه به لشکر گرفته‌ایم
ما تختِ سلطنت نه به بازو نهاده‌ایم !!




سومین شخصیت برجسته عالم تشیع که از لرستان پا به عرصهٔ وجود گذاشت، مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی سید ابو تراب جزائری ،مجسمهٔ زهد، تقوی و عدالت است.

حضرت آیة الله حاج سید ابوتراب جزایری (ره) در سال ۱۲۵۱ ه.ش دوسال قبل از تولد آیة الله العظبمی بروجردی در شهر خرم آباد دیده به جهان گشود.

او مقدمات علوم دینی را نزد پدر بزرگوارش سید ابوالقاسم جزایری آموخت و سپس برای فرا گیری علوم اسلامی به شهر بروجرد مهاجرت نمود و در محضرآیت الله سید جعفر کشفی مراتب سطح، رسائل و مکاسب را فرا گرفت و بعدها برای تکمیل تحصیلات خود به حوزهٔ علمیه نجف اشرف رهسپار شد و در جلسات درس اصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی مؤلف کتاب «کفایةالاصول» شرکت کرد و با حضرت آیة الله بروجردی هم مباحثه بود.

آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی صاحب کتاب «عروة الوثقی» از دیگر اساتید ایشان بود و آیة الله جزائری از محضر این دو مرجع عالیقدر و بنام تشیع سالها کسب فیض کرد.

آیة الله جزائری سپس به زادگاهش شهر خرم آباد مراجعت فرمود و مدت ۳۰ سال تا پایان عمر شریف خود در خدمت به خلق و اقامهٔ عدل و دفع ظلم و نشر معارف اسلامی از هیچ کوششی دریغ نورزید و همواره مأمن و ملجا بی‌پناهان و ضعفا بود.

بهمین سبب در میان مردم و عشایر لرستان، کرامات این عالمِ عامل و فقیه کم نظیر نقل محافل بوده و هست.

نفوذ معنوی این روحانی عالیقدر به حدی بود که حکومت استبدادی رضا خان و عوامل او هیچگاه جرأت تعرض به حریم و حرمت او را نداشتند و در قشون کشی جهت سرکوب عشایر همواره ملاحظهٔ حضور ایشان را می‌کردند.

عدالت و تقوی آیة الله العظمی آقا سید ابوتراب موجب شد که حتی «یهودیان» متوطن در شهر خرم آباد جهت آسایش و امنیت بیشتر در کنار منزل ایشان سکنی گزینند.
کوی یهودیان در کنار کوچه باباطاهر شهر خرم آباد (منزل ایشان) واقع است !!!

از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی،

از ازل تا به ابد، فرصت درویشانست!!

«حافظ»

حضرت آیة الله جزائری، درنشر معارف اهل بیت ( ع ) دارای عزمی ستودنی بود.
ایشان از محل وجوهات شرعیه، حوزه علمیهٔ ومسجدجامع (جمعه) خرم آباد را بنیان نهاد و در ساختن بنای آن نظارت داشت. اما بعد ها، سیاست ورزان و شیفتگان قدرت، نامی دیگر بر این مدرسه نهادند تا نام و یاد این روحانی جلیل القدر فراموش شود و از رسم و راه و سلوک عملی ایشان اثری باقی نماند !!

لیکن، مردم قدرشناس و پاکدلِ لرستان هیچگاه خدمتگزاران واقعی به خلق خدا را فراموش نکردند و ذکر جمیل ایشان در افواه، سینه به سینه منتقل می‌شود.

حضرت آیة الله العظمی سید ابوتراب جزائری پس از عمری خدمت در راه نشر تشیع و سیرهٔ مولای متقیان علی (ع) در سال ۱۳۲۶ دعوت حق را لبیک گفتند و عشایر لرستان در سوگ این روحانی عالیقدر و متأله روز ها عزاداری کردند و بر سر و سینه ی خود زدند.

خاکِ کوی تو به صحرای قیامت فردا

همه بر فرق سر از بهر مباهات بریم !

«حافظ »



زهد و پارسایی و تقوی و عدالت گستری ایشان نمونه ای آشکار از سیمایی است که مولای متقیان علی (ع) در خطبهٔ همام از پیروان حقیقی خود ترسیم فرموده است.

«قلوبهم محزونه و شرورهم مأمونه و اجسادهم نحیفه و حاجاتهم خفیفه و انفسهم عفیفه»

دلهاشان اندوهناک است و همه از آزارهاشان ایمن و بدنهاشان لاغر و خواستنی‌هاشان اندک و نفسهاشان باعفت و پاکیزه است.

«تراه قریباامله، قلیلا زلله، خاشعا قلبه قانقة نفسه، منزوراأکله، سهلا أمره، حریزا دینه، میتة شهوتة، مکظوما غیظه، الخیر منه مأمول و الشر منه مأمون.

او را میبینی با آرزوی کوتاه و لغزش اندک و دل فروتن و نفس قانع و خوراک کم و کار آسان و دین محفوظ و شهوت و خواهش از بین رفته و خشم فرو نشسته .مردم به نیکویی او چشم داشته و از بدیش آسوده اند.

«نهج البلاغه، خطبهٔ همام»
چو حافظ درقناعت کوش و از دنیای دون بگذر
که یک جو منت ِدونان، به صد من زر نمی ارزد!



# 4

## نقش ورزش همگانی در تقویت انسجام و مشارکت اجتماعی دانشگاهیان

بیژن سهیلی یکتا
کارشناس ارشد مدیریت ورزشی

ترکیب ورزش همگانی با فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان می‌تواند تأثیر چشمگیری در نشاط، همبستگی و رشد فرهنگی دانشگاه داشته باشد. ورزش‌های گروهی، همگانی و بومی، بستر مناسبی برای ترویج، تبیین آموزه‌های فرهنگی و ارزش‌های ملی و آئینی در بین دانشگاهیان است.

درواقع بازخوردهای مناسب فرهنگی زیست‌بوم علمی کشور در قالب آموزه‌های ملی، آیینی و باورهای دینی و اعتقادی بر بستر فعالیت‌های ورزش همگانی قابل بروز و پیگیری خواهند بود.

ورزش همگانی، علاوه بر کمک به بهبود سلامت جسمانی و روانی افراد، نقش مهمی در تقویت روحیه اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی دارد.

بعد اجتماعی ورزش همگانی را نیز حائز اهمیت است.

ورزش‌های همگانی معمولاً به صورت گروهی انجام می‌شوند و این تعاملات اجتماعی، افراد را از گوشه‌گیری و افسردگی دور کرده و سلامت اجتماعی را ارتقا می‌بخشد.

سلامت جسمی، روانی و اجتماعی سه ضلع یک مثلث هستند که با ورزش منظم سه تا پنج جلسه در هفته، شکل می‌گیرند.

فعالیت‌بدنی با نشاط و با حداکثر اکسیژن مصرفی متوسط، که در رنج ورزش همگانی قرار می‌گیرد، موجب ترشح هورمون‌های نشاط‌آور مغزی مانند اندورفین و سروتونین شده احساس سرخوشی فیزیولوژیک ایجاد می‌کند.

فعالیت‌های‌ورزشی این پتانسیل و جذابیت فوق‌العاده را دارد تا عموم دانشجویان جذب شده و زمینه ساز برگزاری فعالیت‌های فرهنگی برجسته و تاثیرگذار فراهم آید.



در شرایط کنونی به منظور جذابیت و تنوع بخشی به کارکردهای فرهنگی در دانشگاه، منطقی خواهد بود با استفاده از رویکرد ورزش همگانی در تقویت ارتباطات اجتماعی، سلامت و تندرستی و نشاط و شادابی دانشگاهیان اقداماتی شایسته انجام داد. و در نهایت سلامت، تندرستی و شادابی جامعه را ارتقاء بخشید.

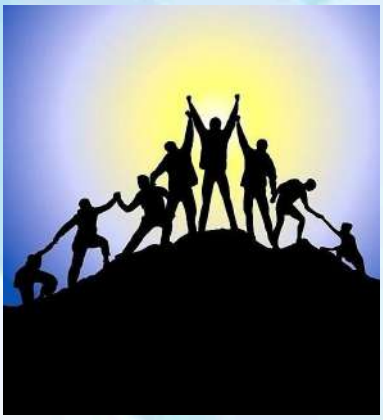
در تعریف ورزش‌همگانی دانشگاهی می‌توان گفت: فعالیتی آگاهانه و منظم برای تمامی گروه‌های دانشجویان، توانایی‌ها و بیشینه‌های مختلف است که با هدف تأمین سلامت جسمی و روانی، افزایش نشاط و بهبود روابط اجتماعی در اوقات‌فراغت دانشجویان انجام می‌شود.

همچنین به‌صورت برنامه‌های جمعی یا فردی و با کمترین امکانات ممکن صورت گیرد.

در محیط دانشگاهی، ورزش همگانی می‌تواند بستری برای افزایش مشارکت، همدلی و روحیه جمعی میان دانشجویان، اساتید و کارکنان فراهم آورد.

نتایج نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی گروهی نه تنها سلامت جسمی و روانی افراد را ارتقا می‌دهد، بلکه موجب افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت روابط بین‌فردی و احساس تعلق به جامعه دانشگاهی می‌گردد.

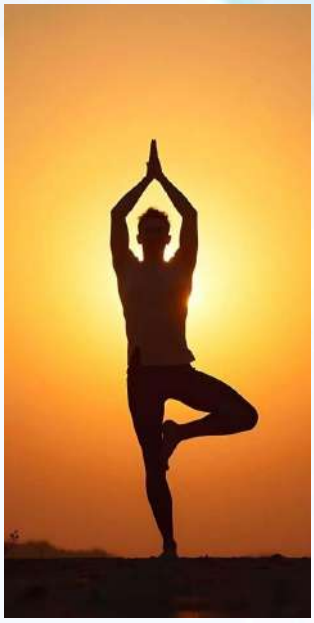
**یوگا ورزشی همگانی:**



یوگا ورزشی ذهنی و بدنی است که با تمرینات حرکتی و تنفسی سلامت جسم و روان را تقویت می‌کند که این روزها فدراسیون ورزش‌های همگانی نیز در مسیر بومی‌سازی آن اقدامات مهمی را انجام داده است.

ویژگی مهم یوگا در دسترس بودن آن است. برخلاف بسیاری از رشته‌ها این ورزش به تجهیزات خاصی نیاز ندارد و در هر فضایی قابل انجام است. همچنین برای همه گروه‌های سنی از کودک تا سالمند و حتی زنان باردار با هدایت مربیان متخصص قابل استفاده خواهد بود.

از منظر روانی نیز یوگا جایگاه ویژه‌ای دارد. کاهش اضطراب، کنترل استرس، بهبود خواب و افزایش تمرکز از مهم‌ترین فواید آن است؛ موضوعی که در زندگی پرتنش امروز بیش از گذشته اهمیت دارد به همین دلیل یوگا فراتر از یک فعالیت ورزشی به‌عنوان سبک زندگی سالم مطرح می‌شود.



با این حال چالش‌هایی هم وجود دارد. برداشت‌های غلط و پیوند دادن یوگا با خرافات و معنویت‌های افراطی چهره واقعی این ورزش را مخدوش کرده است. کارشناسان تأکید می‌کنند که باید با تحقیقات علمی و تربیت مربیان متخصص یوگا را به‌عنوان یک رشته ورزشی علمی و فرهنگی معرفی کرد.

یوگا نقش مهمی در پیشگیری از بیماری‌های مزمن مثل دیابت، چاقی و مشکلات اسکلتی عضلانی دارد. اگر بتوانیم یوگا را با آگاهی صحیح معرفی کنیم این رشته می‌تواند یکی از مؤثرترین ورزش‌های سلامت‌محور در ایران باشد.









ورزش های همگانی شامل ورزش‌هایی از جمله پیاده روی، دوهای عمومی، ورزش‌های بومی و محلی، بازی های رایانه‌ای، تیراندازی با کمان و تفنگ، کوه پیمایی، پیاده‌روی در جنگل کوهستان و طبیعت گردی، طناب کشی، نرمش صبحگاهی و سایر رشته‌های ورزش‌همگانی مناسب که با توجه به شرایط و اقتضائات دانشجویی و دانشگاه محل تصویب می‌شود.
بصورت خاص این رویکرد بر مشارکت گسترده تمامی دانشجویان تمرکز دارد تا سلامت عمومی آنان را ارتقا دهد.
ورزش‌همگانی بعنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه فرهنگی و اجتماعی، نقشی مؤثر در ایجاد تعامل، همبستگی و نشاط اجتماعی ایفا می‌کند.
دانشگاه به‌عنوان یک نهاد فرهنگی و اجتماعی، وظیفه‌ای فراتر از آموزش و پژوهش برعهده دارد.
یکی از رسالت‌های مهم دانشگاه‌ها، تربیت انسان‌هایی پویا، مسئولیت‌پذیر و اجتماعی است. در این میان، ورزش همگانی می‌تواند نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی دانشگاهیان و تقویت ارتباطات انسانی ایفا کند.



مشارکت اجتماعی و ورزش:
مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، زمینه‌ای برای بروز رفتارهای اجتماعی مثبت مانند همکاری، احترام به قوانین، مسئولیت‌پذیری و کار گروهی فراهم می‌آورد.
ورزش‌های همگانی چون پیاده‌روی، کوهنوردی، دو و میدانی و بازی‌های گروهی، بستر مناسبی برای مشارکت داوطلبانه و فراگیر ایجاد می‌کنند.
درفضای دانشگاهی، افراد از اقشار، فرهنگ‌ها و رشته‌های مختلف گرد هم می‌آیند. این تنوع، اگر در بستری مناسب مدیریت نشود، می‌تواند به انزوا یا گسست اجتماعی منجر شود.
ورزش همگانی با ایجاد تجربه مشترک مثبت بین دانشجویان، اساتیدو کارکنان، زمینه همگرایی و تعامل سازنده را فراهم می‌سازد.



برگزاری جشنواره‌ها و المپیادهای ورزشی در سطح دانشگاه، علاوه بر ارتقای نشاط عمومی، باعث تقویت روحیه همکاری و احساس تعلق به نهاد دانشگاه می‌شود.
نتایج نشان می‌دهد که مشارکت درفعالیت‌های بدنی گروهی به طور معناداری باعث افزایش انسجام اجتماعی در بین دانشجویان می شود.
به ویژه، شاخص هایی مانند اعتماد به هم دانشگاهی، تمایل به همکاری و احساس تعلق به گروه در میان شرکت کنندگان در فعالیت های ورزشی گروهی به طور چشمگیری ارتقا یافت.



این یافته ها بر اهمیت گنجاندن برنامه های ورزشی گروهی در ساختار آموزشی تاکید دارند و نشان می دهند که ورزش می تواند ابزاری موثر برای ارتقای سلامت روانی و اجتماعی دانشگاهیان باشد.
ورزش همگانی ابزاری کارآمد برای توسعه فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها است.

از طریق ورزش می‌توان:
• سلامت جسمی و روانی دانشگاهیان را ارتقا داد،
• روابط انسانی و تعامل بین گروهی را گسترش داد.
روحیه همکاری، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی را تقویت کرد و در نهایت، انسجام و مشارکت اجتماعی را در جامعه دانشگاهی استحکام بخشید.
بنابراین، توصیه می‌شود مسئولان دانشگاه‌ها با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ورزشی، گسترش برنامه‌های ورزش همگانی و تشویق مشارکت داوطلبانه، نقش ورزش را به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای انسجام اجتماعی تقویت نمایند.

# 5

# پرورش روح

عیسی مرادی
کارشناس ارشد مهندسی مکانیک



انسان از دو بُعد جسم و روح آفریده شده است.
هرچند برخی فلاسفه بُعدهایی مانند نفس و عقل را نیز مطرح کرده‌اند،
اما در این نوشتار به طور کلی به مفهوم جسم و روح می‌پردازیم.
در سنت حکمت اسلامی، روح به عنوان حقیقت مجرد انسان شناخته می‌شود و مراتب مختلفی مانند عقل، نفس و قلب برای آن بیان شده است.
این مراتب هر یک می‌توانند دچار ضعف یا قوت شوند و شناختآن‌ها مقدمه‌ای برای پرورش صحیح روح است.



اکثر مردم برای تغذیه، رشد، تقویت و زیبایی جسم خود تلاش می‌کنند.
همان جسمی که تنها در دنیا همراه ماست و قرار نیست با آن به آخرت برویم.
اما متأسفانه بسیاری از ما از روح که از جانب خداست و همانند جسم رشد می‌کند، غافلیم.
روح نیز همانند جسم رشد و ضعف و بیماری را تجربه می‌کند و نیازمند مراقبت و تغذیه است.

انسان‌های بزرگی که نامشان در تاریخ ماندگار شده، در حقیقت روح‌هایی بزرگ داشته‌اند؛ زیرا جسم آنان از بین رفته، اما آثار روحشان باقی مانده است.
زیباترین انسان‌ها در پیری زیبایی جسمانی خود را از دست می‌دهند و قوی‌ترین افراد نیز روزی ضعیف می‌شوند، اما زیبایی روح حتی در کهنسالی نیز کمرنگ نمی‌شود.

یکی از عوامل مهم تضعیف روح، غفلت طولانی‌مدت است.
غفلت به معنای دور شدن از آگاهی الهی و غرق شدن در مشغله‌های روزمره است که آرام آرام قلب را از نورانیت دور کرده و زمینهٔ قساوت را فراهم می‌سازد.
در این مقاله به این می‌پردازیم که روح چگونه رشد می‌کند، چگونه بیمارمی‌شود و راه‌های درمان آن چیست.
همان‌طور که جسم با غذا، تحرک و ورزش رشد می‌کند.
و با عوامل بیماری‌زا ضعیف می‌شود، روح نیز به ورودی‌ها، خوراک معنوی و تربیت نیاز دارد.

# غذای روح

نخستین غذای روح کلام زیبا و هدایتگر است.
امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

«عَجِبتُ لِمَن یَتَفَکَّرُ فی مَأکُولِهِ، کَیفَ لا یَتَفَکَّرُ فی مَعقُولِهِ، فَیُجَنِّبُ بَطنَهُ ما یُؤذیهِ، و یُودِعُ صَدرَهُ ما یُردِیهِ»

عجب دارم از آنها که به غذای جسم خود می اندیشند؛ اما به غذای روح خود نمی اندیشند، خوراک ناراحت کننده از شکم دور می‌دارند، اما قلب خود را با مطالب هلاکت زا آکنده می کنند.

محیط زندگی انسان نیز در سلامت یا بیماری روح نقش جدی دارد. همنشینی با انسان‌های پاک، حضور در جمع‌های معنوی و شنیدن سخنان حکیمانه می‌تواند نقش دارویی داشته باشد. در مقابل، محیط‌های آلوده به خشونت کلامی و اخلاقی اثرات مخربی بر قلب بر جای می‌گذارند.
رشد جسم از معده آغاز می‌شود، اما رشد روح از قلب. مداخل روح عبارت‌اند از: گوش، چشم و تفکر. بنابراین آنچه می‌شنویم، می‌بینیم و به آنچه می‌اندیشیم، غذای روح ما را تشکیل می‌دهد. پس باید بسیار مراقب باشیم چه صداها، چه تصاویر و چه افکاری وارد روح ما می‌شود.

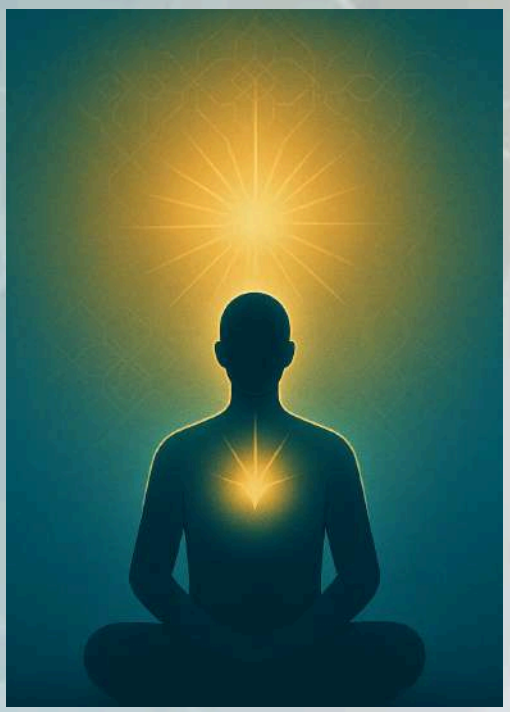
امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه‌السلام می‌فرمایند: «فرزندم، قلب خود را با موعظه زنده نگهدار.» بسیاری از علما نیز گفته‌اند که روح همان قلب است و این قلب برای زنده ماندن به موعظه نیاز دارد.
موعظه ممکن است از جانب خداوند (در قرآن)، پیامبران، امامان، علما، پدر و مادر، دوستان و حتی غریبه‌ای باشد. اشتیاق به شنیدن موعظه، نشانه سلامت روح و نشانه ایمان است.
در روایات تأکید شده است که دلها به سبب زنگار دنیا کور می‌شوند و این زنگار تنها با یاد خدا زدوده می‌گردد.
یاد خدا نه‌تنها عمل زبانی، بلکه حقیقتی قلبی است که آرامش، امید و قدرت انتخاب درست را به انسان هدیه می‌دهد.

بعضی از علما توصیه کرده‌اند هر فرد هفته‌ای یک ساعت موعظه بشنود، وگرنه گوش حقیقت‌جوی او کر و قلب او دچار قساوت می‌شود.

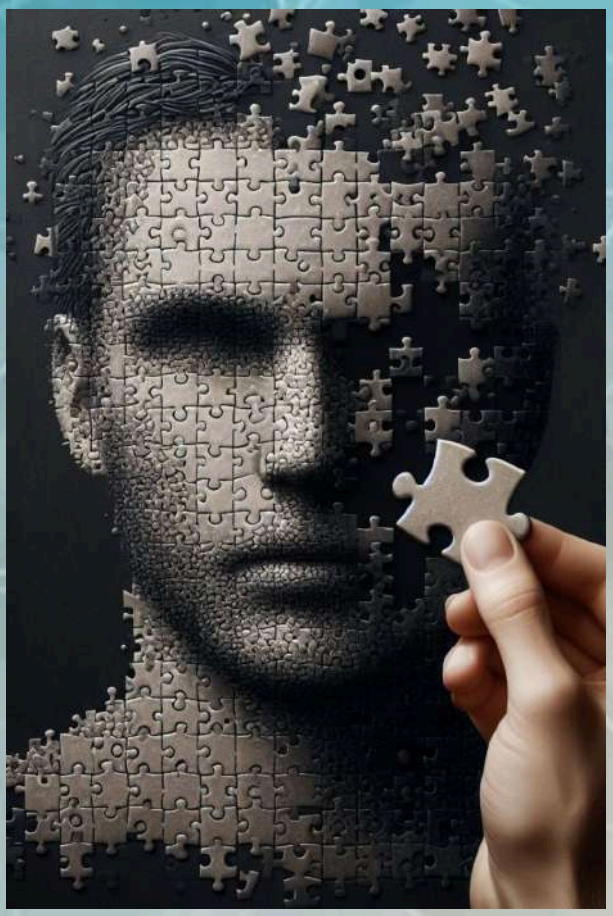
اهمیت موعظه:

موعظهٔ مداوم و دلسوزانه، قلب را پالایش می‌کند و انسان را از غفلت نجات می‌دهد. بسیاری از جوانان امروز از موعظه فرار می‌کنند، درحالی که موعظهٔ پیوسته از عوامل سلامت روحی است.
برای تقویت روح، عمل به واجبات و ترک گناه پایه‌ای‌ترین مرحله است، اما در سطحی عمیق‌تر، انسان نیازمند تمرین، مراقبه، تفکر، خودمحاسبه و دستگیری از دیگران است. زیرا نیکی کردن و کمک به خلق، روح را پاک و گشوده می‌سازد.

روح با موعظه زنده و سالم می‌ماند، حتی اگر موعظه از کسی ساده و کم‌مرتبه باشد. پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله گاهی به جبرئیل می‌فرمود: «مرا موعظه کن»، و حضرت علی علیه‌السلام. نیز ازاصحابش می‌خواست او را نصیحت کنند؛ در حالی که هر دوی ایشان از همه مقام‌ها بالاتر بودند.
در پرورش جسم باشگاه‌ها و مربیان نقش دارند. در پرورش روح نیز نیاز به مربیان و استادان معنوی است. در دانشگاه‌ها برای هر رشتهٔ علمی استاد وجود دارد، اما در تربیت روح کمتر به‌درستی استاد می‌یابیم.



# درمان روح



نقش دعا و تضرع در شفای روح بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. دعا ارتباطی قلبی با خالق است و حتی اگر انسان هنوز به استجابت دعایش نرسیده باشد، همین توجه و اتصال، حجاب‌های روح را کنار می‌زند.
همان‌گونه که برای جسم درمان‌هایی وجود دارد، برای روح نیز درمان‌هایی در نظر گرفته شده است. برخی بیماری‌های جسمی با دارو درمان می‌شوند، برخی نیازمند آمپول و برخی نیازمند جراحی یا حتی مداخلات سخت‌تر هستند.

درمان روح نیز گاهی ساده و گاهی دشوار است. خداوند برای درمان روح راه‌هایی قرار داده است که سریع و مؤثرند، ازجمله: کلام الهی، استغفار، دعا، ذکر و جبران گذشته. اینها داروهای معنوی هستند که می‌توانند قلب را شفا دهند.

اگر در دنیا درمانی برای روح حاصل نشود، در آخرت نیز راه‌های دیگری برای اصلاح وجود دارد که با سختی همراه‌اند. اما هدف آنها اصلاح و بازگرداندن روح به فطرت اولیه است.
حکمت عذاب الهی همین است: نه برای اضرار بلکه برای اصلاح و بازگرداندن انسان به حالت نخستین مثال ساده‌ای می‌تواند این حکم را روشن سازد.



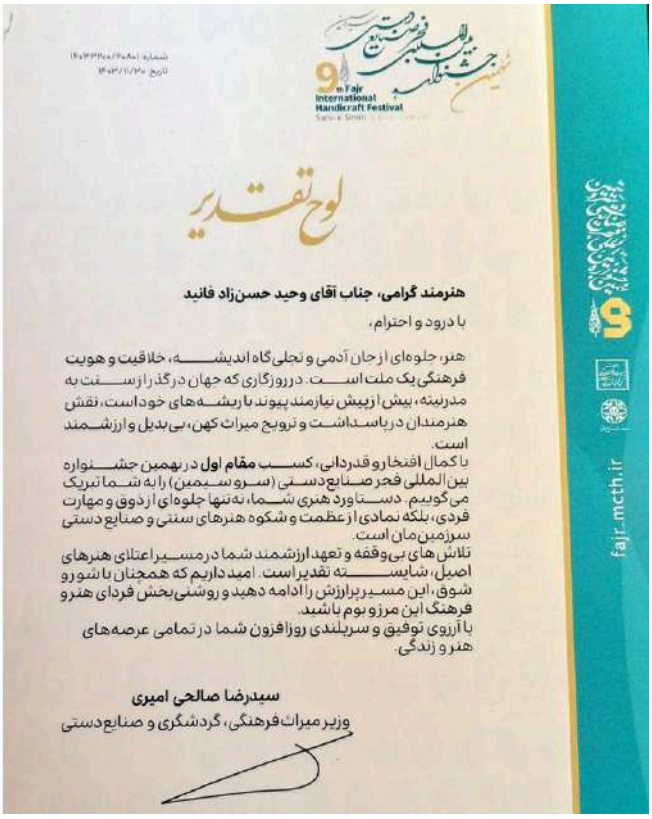
ماشینی که تصادف کرده است، به دست صافکار و مکانیک سپرده می‌شود تا با ضربه، حرارت و ابزارهای مختلف ظاهر آن اصلاح شود.این فرایند ممکن است سخت و دردناک باشد، اما برای بازگرداندن خودرو به حالت سالم لازم است. به‌سان آن، بازسازی روح نیز گاهی با اثر مصائب و سختی‌ها رخ می‌دهد که هدفش اصلاح و بازگرداندن انسان به فطرت است حکمت عذاب های الهی از این قسم هستند و در حقیقت در باطن عذابهای دنیا و آخرت رحمت خدا نهفته است.

در پایان از خداوند متعال می‌خواهم که سلامت روح و قلب را به ما عطا فرماید و توفیق عافیت دنیا و آخرت را شامل حال ما گرداند.

# 6

## هنر پاپیه ماشه
## هنرمند: استاد وحید حسن زاد فانید
## گزارش: سمانه امینی آحور




**مقدمه**

**پاپیه‌ماشه شیوه‌ای از تولید آثار است که در میانه عصر صفوی ظهور یافته، سپس به دوره زندیه و اوایل قاجار به بلوغ رسیده و مقارن اواسط قاجار متروک و اندک‌اندک راه فراموشی پیموده است. تأسف‌انگیز آنکه امروزه کمتر هنرمندی دل‌مشغول خلق آثاری از این نوع می‌باشد.**

**پاپیه‌ماشه واژه‌ای است فرانسوی که به معنای کاغذ فشرده آمده است» و «معمولاً به اشیایی مقوایی که سطح آن‌ها به وسیله مینیاتور تزیین شده و با لاک مخصوص پوشش یافته است، اطلاق می‌شود».**

**برخی نویسندگان، تولید این آثار را ذیل هنرهای لاکی بررسی نموده‌اند. لذا پیشینه آن را در کاربرد لاک، در تولید مصنوعات مختلف کاویده‌اند. در فرهنگ اروپایی این هنر بدیع را به انگلیسی Lacquer می‌نامند که به اعتبار کاربرد عنصر لاک در تولید این آثار است و در زبان فرانسه Papier Mache گفته می‌شود که به اسلوب ساخت این اشیا تکیه دارد.**

**در زبان فارسی به علت آنکه نقاشان و صورتگران، بر روی جلدها و قلمدان‌ها در موقع ساخت، روغن کمان به‌کار می‌بردند، نام روغنی نهاده‌اند».**

**واژه فارسی لاک و معادل انگلیسی آن Lacquer هر دو از ریشه هندی لاخ مشتق شده‌اند. حسن عمید در فرهنگ خود، آن را به نوعی صمغ تعبیر می‌کند که از سرشاخه برخی درختان می‌تراود و منعقد می‌گردد و گاهی به درشتی لیمو می‌شود.**

**هنرهای لاکی ایرانی در دوره اسلامی، ارتباط تنگاتنگی با صنعت قلمدان‌سازی ایرانی دارد که در آن با روی هم چسباندن لایه‌های کاغذ، محفظه کوچکی جهت نگهداری و حمل ابزار کتابت به نام «قلمدان» تهیه می‌شد و روی آن را با نگاره‌هایی آذین می‌نمودند و در پایان با روغن کمان۱ جلا می‌زدند که نمونه‌های ارزنده‌ای از آن‌ها در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی یافت‌شدنی است.**
**اشیائی چون قلمدان در شمار وسایل شخصی زمامداران و صاحب‌منصبان و تجار و دبیران و منشیان و افراد صاحب شأن و نشانی از مرتبه اجتماعی ایشان تلقی می‌شده است.**
**کاربرد لایه‌های متعدد روغن کمان، گرچه نقش چشمگیری در محافظت از اثر داشت، اما جنبه تزیینی آن نیز دور از نظر نبود. چه آنکه اگر نبود تلألو و درخشندگی قوی آن، اثر تولید شده در حد یک مقوای نقاشی‌شده تنزل می‌یافت. در موارد فراوانی نیز، هنرمندان برای تأکید بر جنبه‌های زیباشناسانه و درخشش بیشتر، از فلزات و موادی چون طلا و مرقش۲ استفاده کرده‌اند.**



قلمدان عباس میـــــرزا
ودوات‌مخصوص‌قلمدان

سال آفرینش: ۲۰۲۳ میلادی
مدت زمان: ۳۱۰-۱۰۰ ساعت
ابعاد اثر:
۴٫۲×۴٫۲۷۶ سانتی متر
۳۹٫۳×۳۹٫۷۵ سانتی‌متر
تکنیک: گواش، آبرنگ با پوشش
دهنده شلاک (لاک الکل)، جلکاری

22



باکس قرآن

این اثر با استفاده از تکنیک پاپیه‌ماشه و در ادامه ساخت قرآن دست‌ساز، با هدف حفاظت از اثر و حفظ هماهنگی هنری آن طراحی شده است؛ تلاشی برای پیوند میان هنر سنتی و احترام به مفاهیم مقدس.

سال آفرینش: ۲۰۲۲ میلادی
مدت زمان: ۲۶۰ ساعت
ابعاد اثر:
۲۵٫۵×۱۷٫۳ سانتی متر
تکنیک: گواش، آبرنگ، با پوشش
دهنده شلاک (لاک الکل)، جلکاری

## تاریخچه

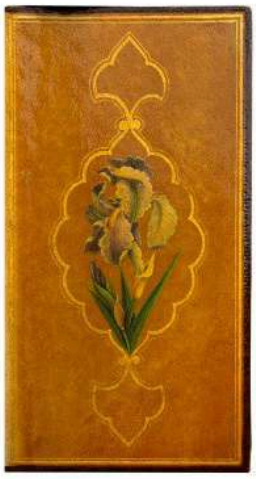
آغاز پاپیه‌ماشه‌سازی و اینکه کدام ملت مبتکر آن بوده است به درستی روشن نیست. «هنر جلدسازی و قلمدان‌سازی و جعبه‌سازی ایران شباهت زیاد به هنر نقاشی زیر لاک چینی‌ها دارد». اشیای به دست آمده از پاپیه‌ماشه که باقی‌مانده از دوران سلسله «هان» در چین است، نشان از قدمت این هنر دارد که درواقع به قدمت اختراع خود کاغذ است.

اشیا و ابزاری از قبیل کلاه‌های تشریفاتی، نظامی و همچنین درپوش ظرف‌های کشف‌شده، متعلق به سلسله «هان»، از ماده‌ای به‌عنوان پاپیه‌ماشه ساخته شده است».

در کشور روسیه نیز در قرون اخیر این هنر بسیار معمول بوده است. به طوری که نمی‌توان فهمید از کدام‌یک از این کشورها، نقاشی زیر لاک به کشور دیگر نفوذ یافته است. در موزه ارمیتاژ لنینگراد۳ نمونه‌های بسیار خوبی از این‌گونه اشیا دیده می‌شود. در سرزمین هند نیز این هنر با همان نام پاپیه‌ماشه رواج دارد.



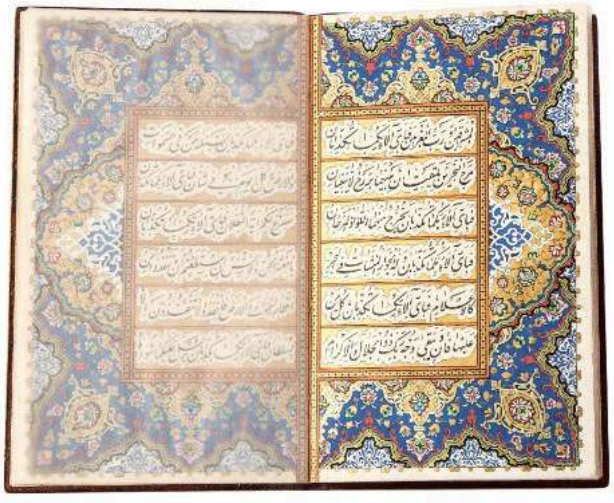
تصویر۱.روی جلد قرآن



تصویر۲.صفحه داخلی روی جلد قرآن

در سرزمین ایران، به احتمال زیاد این شیوه از شهر هرات آغاز گردیده است. مطالعات پژوهشگران درباره جلدهای لاکی اواخر سده پانزدهم میلادی نشان می‌دهد که دربار سلطان‌حسین‌میرزا در هرات در توسعه اولیه این هنر نقش بسزایی داشته است. برای نمونه می‌توان به یک جلد مربوط به نسخه خطی مثنوی و متعلق به «موزه اسلام و ترک» شهر استانبول اشاره نمود. سطح جلد ابتدا از یک ورق گچ پوشانده شده است و آن‌گاه بر روی یک زمینه از رنگ و روغن سیاه، تصویر صدها شکوفه زیبا را با دقت و ظرافت تمام نقش نموده‌اند».

در عصر تیموری به موازات دستاوردهای هنری مرتبط با کتابت، از قبیل خوشنویسی، نگارگری، تذهیب و صحافی، می‌توان گمان برد که قلمدان‌سازی نیز دستخوش تحول و تغییر تکنیک در ساخت شده باشد و به علت توجه خاصی که شاهان و شاهزادگان و دولتمردان زمان نسبت به هنر خوشنویسی داشته‌اند، این ابزار نگارش جنبه هنری و تزیینی پیدا کرده باشد.



تصویر۳.صفحه‌ات داخلی



اگر آغاز قلمدان‌سازی از جنس مقوا را متعلق به دوره تیموری فرض کنیم، چون چیزی که استواردارنده این موضوع به قطع یقین باشد به دست نیامده است، از مرحله حدس و گمان قدمی فراتر نمی‌توان نهاد. اما آنچه مسلم است ترقی قلمدان مقوایی مربوط به اواخر دوران صفوی است.
اسناد و مدارک موجود، گواه بر آن است که در دوره صفویه، هنرمندان به موازات ساختن سایر انواع صنایع دستی، به ساخت آثار پاپیه‌ماشه مبادرت ورزیده‌اند. آنچه از قلمدان‌های دوره صفوی به نظر رسیده، از تاریخ ۱۰۷۰ هجری به بعد بوده است.
این هنر در ولایت‌هایی چون اصفهان، یزد، آذربایجان، کاشان، تهران و قزوین رواج داشت (ابراهیمی، ۱۳۷۸) که در این میان، شهرهای قزوین و اصفهان مراکز عمده تولید محصولات پاپیه‌ماشه بود.

در عصر قاجار و اوایل دوره پهلوی، بخش وسیعی از بازار تهران در حوالی «مسجد امام» و نیز سرتاسر بازار حلبی‌سازهای فعلی را کارگاه‌های قلمدان‌سازی تشکیل می‌داد و محصولات تولیدی آن‌ها ضمن تأمین احتیاجات داخلی به خارج از کشور نیز صادر می‌شد.
با این حال گفته شده است که سیر نزولی این هنر از اواخر دوره سلطنت مظفرالدین‌شاه شروع شده است؛ زمانی که عکس‌برگردان‌های زیادی از فرنگ وارد کشورمان شد و از همین تاریخ بود که کار نقاشان قلمدان از رونق افتاد و به صنعت قلمدان‌سازی لطمه جبران‌ناپذیری وارد شد و در پی آن نقاشان از گردونه تولید خارج شدند، چرا که قلمدان‌ساز به راحتی می‌توانست عکس‌برگردان‌ها را بر روی قلمدان منتقل کند.
با وجود این، پاپیه‌ماشه‌سازان با تهیه و تولید وسایل مصرفی، از جمله: رحل قرآن، قاب آیینه، جلد آلبوم، جاپاکتی، قاب عکس، قوطی انواع پودرها، جعبه جواهر، جلد کتاب و ... توانستند تا حدودی این هنر را زنده نگه دارند.
در حال حاضر در شهرهایی چون اصفهان همچنان به این هنر پرداخته می‌شود.
گستره تنوع هنرهای لاکی به قلمدان محدود نمی‌شود و مصنوعاتی چون جلد کتاب، قاب آیینه، صندوقچه و انواع جعبه، قاب عینک و حتی گنجفه۴ را هم شامل می‌شود.



## نتیجه‌گیری

**گرچه هنر روغن‌سازی یا هنرهای لاکی یا پاپیه‌ماشه یا هر نام دیگری که بر آن بگذاریم، زیبا و نمکین و از جلوه‌های قدر و منزلتی است که کتاب و کتابت، در فرهنگ و تمدن ایرانی دارد، اما ناگزیر در عصر دود و پولاد و بتن، محکوم به فراموشی شده و آنچه مانده، کمترینش موزه‌نشینی است و بیشترینش در صندوق‌خانه مجموعه‌داران، پرده‌نشینی!**
**کاویدن آثار گران‌سنگی که طی چند سده، ذیل شیوه روغنی‌سازی خلق شده و در گنجینه‌ها محفوظ مانده است، نه‌تنها جویندگان را بر شیوه‌های تولید این آثار رهنمون است، بلکه اطلاعات ذی‌قیمتی نیز در زمینه‌های تاریخی و انسان‌شناسی به دست می‌دهد.**
**از دگرسو، فقر پژوهش و منابع علمی در این زمینه، زمینه‌ساز عدم آشنایی مجامع دانشگاهی و هنری با این هنر زیبای ایرانی گردیده است و آنچه هست، ذیل هنر نگارگری آمده و به جنبه‌های فنی و تکنیکی آن کمتر توجه شده است. شاید به همین دلیل باشد که برخی پژوهندگان، میان آثار پاپیه‌ماشه و سایر مصنوعات از جنس چوب یا سنگ و ... که در تولید آن‌ها از قشری محافظ، تحت عنوان «لاک» استفاده شده است تفاوتی قائل نشده‌اند.**
**در این میان آقای وحید حسن‌زاد فانید هنرمند دانشگاه هنر اسلامی تبریز چندین سال است به این هنر زیبا پرداخته است. آقای وحید حسن‌زاد فانید، هنرمند دانشگاه هنر اسلامی تبریز در مراسم اختتامیه نهمین جشنواره بین‌المللی فجر صنایع‌دستی (سرو سیمین 9) موفق به کسب مقام اول بخش اصلی در رشته پاپیه ماشه شد.**
**این موفقیت ارزشمند، با انتخاب 13 داور داخلی و خارجی، به دست آمد و نشان از کیفیت بالای آثار هنری ارائه شده توسط هنرمندان دانشگاه هنر اسلامی تبریز دارد.**
**آقای حسن‌زاد فانید با ارائه اثر "کتابت چند سوره از قرآن کریم"، که تلفیقی از هنرهای سنتی ایران از جمله کاغذ سازی سنتی ( کاغذ ساخته شده از جنس شلوار جین )، رنگ سازی سنتی، خوشنویسی، تذهیب، پاپیه ماشه، بوم سازی، صحافی، حلکاری، گل و مرغ است، توانست نظر داوران را جلب کند. این اثر که با پوشش لاک الکل به آثار لاکی تبدیل شده است، در کنار دو اثر دیگر هنرمند، "قلمدان پاپیه ماشه"و"جعبه مضراب سنتور پایه ماشه"، در نمایشگاه آثار فاخر جشنواره به نمایش گذاشته شد.**








**نهمین جشنواره بین‌المللی فجر صنایع‌دستی، که با حضور حدود 7500 اثر داخلی و خارجی برگزار شد، شاهد رقابت تنگاتنگ هنرمندان در رشته‌های مختلف صنایع‌دستی بود. در نهایت، پس از داوری آثار توسط داوران برجسته داخلی و خارجی، 20 اثر به عنوان نامزد نهایی انتخاب شدند که در این میان، اثر آقای حسن‌زاد فانید توانست با کسب نمره کامل داوری، به مقام اول دست یابد.**
**به گفته معاونت صنایع دستی بیش از 7 هزار اثر به نهمین دوره جشنواره فجر صنایع دستی رسیده بود که حدود 200 اثر به مرحله نمایش راه یافت و از میان آنها 20 نامزد انتخاب شد. داوری این دوره با بابی جورماواتی (اندونزی)، نورماروکسانا آماریلا (آرژانتین)، ساندیپ کومار (هند)، سیتی چای اسمانچات (تایلند)، اردشیر مجرد تاکستانی، محمدتقی آشوری، محمدحسن گلچین‌پور، محمدرضا شریف‌زاده، اردشیر میرمنگره، مهدی امرایی، ژیلا رسام عرب‌زاده، مهدی محمدی و آرش حیدریان بوده است.**

**نهمین جشنواره بین‌المللی فجر صنایع دستی که از دوم اسفندماه در موزه هنرهای زیبا در کاخ سعدآباد آغاز شده بود، شامگاه دوشنبه 6 اسفندماه با حضور حجت الاسلام‌والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه، سیدرضا صالحی‌امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سعد القدومی رئیس شورای جهانی صنایع دستی، داوران و ارزیابان سازمان جهانی صنایع دستی به کار خود پایان داد.**

**نشریه فر فرهنگ این افتخار ارزشمند را به ایشان و خانواده عزیز دانشگاه هنر اسلامی تبریز تبریک عرض نموده و برای ایشان موفقیت و سربلندی مسئلت می‌نماید.**

# حضور تیم نشریه فر فرهنگ در سومین جشنواره ملی برهان




جشنواره ملی برهان که توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار می‌شود، رویدادی ملی در راستای توسعه و ترویج کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌های کشور است.

هدف این جشنواره ایجاد فضایی برای تضارب آرا، گفت‌وگوی علمی، نقد سازنده و تقویت مهارت‌های استدلالی در میان دانشگاهیان است.

این جشنواره در دو مرحله استانی و ملی برگزار می‌شود. در مرحله استانی، دانشگاه‌ها و گروه‌های برگزارکننده کرسی‌های آزاداندیشی، مستندات فعالیت‌های خود را ارائه می‌دهند و تیم‌های برتر معرفی می‌شوند.

برگزیدگان به مرحله ملی راه می‌یابند که در آن رقابت‌های زنده شامل مناظره، نقد و مطالبه‌گری و دیگر قالب‌های گفت‌وگویی انجام می‌شود.

علاوه بر بخش رقابتی، بخش غیررقابتی نیز با هدف تبادل تجربه، آموزش و توانمندسازی شرکت‌کنندگان برگزار می‌شود.

این بخش به ارتقای مهارت‌های گفت‌وگو، تحلیل مسائل و تقویت زیست‌بوم آزاداندیشی کمک می‌کند.

جشنواره ملی برهان تلاش دارد فضای دانشگاه را از محیطی صرفاً آموزشی به فضایی برای رشد فکری، فرهنگی و اجتماعی تبدیل کند؛ فضایی که در آن دانشجویان بتوانند آزادانه اندیشه‌های خود را مطرح کنند، نقد شوند و بیاموزند که چگونه در چارچوب منطق و احترام به گفت‌وگو بپردازند.
این جشنواره گامی مهم در جهت ترویج فرهنگ اندیشه‌ورزی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت دانشگاهیان در مسائل کلان کشور به شمار می‌رود.

# حضور تیم نشریه فر فرهنگ در سومین جشنواره ملی برهان



